رفراندوم؛

برگی از اوراق خاطراتم!

قسمت چهل و سوم

محمد رجبی

شاپور بختیار :

زاده (۴ تیر ۱۲۹۳ شهرکرد – ۱۵ مرداد ۱۳۷۰ پاریس) سیاست‌مدار ایرانی، دبیر کل سابق حزب ایران عضو اخراج شده جبهه ملی ایران، بنیان‌گذار نهضت مقاومت ملی ایران (در سال ۱۳۵۹) و آخرین نخست‌وزیر ایران، پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران بود.

نخست‌وزیری:

در ۱۵ دی ۱۳۵۷ با شاه بر سر نخست‌وزیری به توافق رسید. پس از پذیرش نخست‌وزیری، در جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران، اخراج بختیار به دلیل عدم رعایت انضباط سازمانی، زیر پا گذاشتن مصوبات قبلی شورای مرکزی (مبنی بر غیرقانونی بودن سلطنت پهلوی) و عدم کسب اجازه از شورای مرکزی جبهه ملی برای ریاست دولت، به رأی گذاشته شد و با رأی اکثریت قاطع اعضا، بختیار از جبهه ملی

اخراج حکومت بختیار نخستین دولت مخالف نحوه حکومت شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد بود. او هم‌چنین در زمان نخست‌وزیری، در میان مردم از حمایت بسیار کمی برخوردار بود. عباس امیر انتظام ادعا کرد که در پی مذاکراتی که وی (به نمایندگی از مهدی بازرگان) با بختیار داشته است، بختیار حاضر به استعفا از نخست‌وزیری شده بود. سرانجام با ورود روح‌الله خمینی به ایران و چندی بعد اعلام بی‌طرفی ارتش، دولتش در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سقوط کرد.

مهم‌ترین کارهای بختیار:

ازجمله مهم‌ترین کارهای وی در سمت نخست‌وزیری این بود که قرارداد نظامی ایران با آمریکا را که برای خرید صدها موشک و هواپیما بود، چند روز پیش از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران لغو کرد و پول پرداخت‌شده بابت آن را هم پس نگرفت. کارتر و برژینسکی بسیار نگران این قرارداد و سلاحی که به دست ایران می‌رسید بودند و کارتر دو روز پس از ورود خمینی به ایران موفق شد این لغو قرارداد را نهایی کند.

بختیار از آغاز به کار فعالیت سیاسی خود و در طول دوران نخست‌وزیری‌اش همواره محمد مصدق را رهبر خود می‌دانست و به پیروی از او تأکید می‌کرد. وی هم‌چنین از منتقدین محمدرضا پهلوی بود و پس از سقوط محمد مصدق، به همراه مهدی بازرگان و سید رضا زنجانی، نهضت مقاومت ملی را تشکیل داد. پس‌ازآن نیز چندین بار به

زندان افتاد.

سقوط دولت بختیار:

پس‌ازآن، بختیار ۶ ماه در ایران مخفیانه زندگی کرد و در تیر ۱۳۵۸ به فرانسه رفت...

لازم است ذکر شود، بختیار پس از سقوط دولتش و آغاز مخالفت با حکومت جدید ایران، همچنان از منتقدین حکومت پهلوی بود و با آنان همسو نشد. وی در مصاحبه با تاریخ شفاهی هاروارد، علت شکست نهضت مقاومت ملی پس از سقوط محمد مصدق را حکومت فاشیستی شاه دبا اینکه بختیار عضو جبهه «ملی» ایران و در دوره‌ای نخست‌وزیر ایران بود، او در پیشگفتار کتابش، یکرنگی نوشته است پیش از آن‌که خود را ایرانی و پایبند مذهب خاصی بداند، به انسان و انسانیت اعتقاد دارد. شاپور بختیار که بخش مهمی از جوانی خود را در فرانسه زندگی کرده بود، با دختری فرانسوی ازدواج‌کرده و نام‌هایی فرانسوی نیز برای فرزندان خود انتخاب کرده بود: «گای، فرانس، پاتریک و ویویان». وی همچنین در دوران جنگ جهانی دوم خود را فرانسوی می‌دانست و به‌عنوان سرباز فرانسه در جنگ نیز شرکت کرد.

به عقیده لادن برومند و افشین مبصر مهم‌ترین ویژگی‌های بختیار در تمامی دوران مبارزات سیاسیش، ایستادگی در برابر حکومت روح‌الله خمینی و عدم امکان هرگونه سازش با او، احیای مشروطه، اعتقاد و اصرار به اجرای قانون اساسی مشروطه است.

پیش از نخست‌وزیری:

بختیار تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران در پلاک ۱۷ کامرانیه زندگی می‌کرد. [۳۷] وی در بخش خصوصی آغاز به کارکرد و مدیر برخی کارخانجات یا مشاور بعضی کارخانجات بزرگ بود. شاه سعی کرد که تلفیقی از سیاست مشارکت دادن جبهه ملی در دولت و کنترل و سرکوب آن‌ها را اتخاذ کند. یکبار شاه در سخنانش به برخی سران جبهه ملی به‌مانند بختیار به علت همکاری با کمونیست‌ها و مصدق، حمله کرد و گفت که آن‌ها «شامپاین رفاقت» را با تجزیه‌طلبان آذربایجان خورده‌اند. شاه گرچه این گروه را توبیخ می‌نمود اما اجازه پیدا کردن شغل برای امرارمعاش را به این گروه می‌داد.

صلح با شاه:

در همین زمان گروهی از جبهه ملی با شاه صلح کردند و مورد عطا و بخشش‌های زیادی قرار گرفتند. به‌عنوان‌مثال فریدون مهدوی، از سران دوران اولیه جبهه ملی در سال‌های ۱۹۶۰، در اوایل دهه ۱۹۷۰ یکی از اعضای قدرتمند کابینه دولت هویدا شد.

عباس میلانی می‌نویسد:

بنا به گفته خود بختیار، روی کار آمدن دولت جان اف. کندی در آمریکا در سال ۱۹۶۱، دلیل مهمی برای احیا جبهه ملی یا به‌طور دقیق‌تر تشکیل جبهه ملی دوم و سوم بوده است. در سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴، تحت‌فشار آمریکا، شاه مجبور گردید که یک ائتلاف دولتی برای جبهه ملی تشکیل دهد. بین خود اعضای جبهه ملی در مورد پیوستن یا نپیوستن به این ائتلاف اختلاف‌نظر شدیدی وجود داشته است. از طرفی گروهی که هنوز حوادث ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را از یاد نبرده بودند، دوست داشتند که هیچ‌گونه کاری با دولت محمدرضا پهلوی نداشته باشند. گروهی دیگر همانند بختیار نیز از طرف دیگر نیز مترصد هر فرصتی برای مذاکره با شاه بودند تا دولت پهلوی هر چه بیش‌تر به یک دولت دمکرات ملی‌گرا تبدیل شود.

سرانجام، گروهی از جبهه ملی که خواستار عدم فعالیت سیاسی بودند، رأی اکثریت آوردند. آن‌ها در هیچ‌یک از دولت‌های نخست وزیران شاه از امینیو علم گرفته تا منصور و هویدا وارد نشدند؛ اما باوجوداین، ۱۵ سال بعد در زمانی که روح‌الله خمینی در دولت جدید، نقشی کم به جبهه ملی اختصاص داده بود، همین گروه مخالف، طرفدار ایده تشکیل حزب دولتی شدند. در دهه ۱۹۶۰، بختیار ازجمله معدود افرادی از این حزب بود که سیاستی زیرکانه‌تر اتخاذ کرده بود و چه در این دوران و چه در دوران تشکیل حکومت جدید، از تنها مخالفان هم‌بستگی با حکومتی مبتنی بر ولایت‌فقیه بود. در هر دو برهه زمانی، بختیار بعضی از سران جبهه ملی را افرادی بی‌اثر، منفعل و متعصب خوانده بود و شعاری نیز داشت که می‌گفت: «مردان واقعی، شجاعت ایجاد تغییر و پذیرش ریسک را دارند.»

خصوصیات بختیار:

عباس میلانی معتقد است، بختیار، تفکری تلفیقی از خشونت‌گرایی نزاع طلبانه و مصلحت‌گرایی ماکیاولیستی داشته است و انعطاف‌پذیری تاکتیکی را بر اصول‌گرایی محض برمی‌گزید و به خاطر این ویژگی در میان سران جبهه ملی مشهور شده است. او نه‌تنها همیشه آماده مذاکره با شاه و دولت پهلوی بود، حتی با سفرای خارجی نیز بحث و گفت‌وگو می‌کرد. به‌طوری‌که در سال ۱۹۵۱ وی مایل بود تا در مورد تفکرات سیاسی جبهه ملی با سفرای آمریکا و انگلیس مباحثه کند. این دیدارها سبب بروز اتهاماتی به بختیار از سوی دشمنان و منتقدانش مبنی بر انگلوفیل‌بودن (طرفدار انگلستان) وی شد.

بختیار، در مورد تبعید آیت‌الله خمینی:

شاپور بختیار دبیر کل حزب ایران در یک گفت»گوی کوتاه تلفنی در ۱۵ مهرماه ۱۳۵۷ گفت:

نفی بلد و تبعید حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی، رهبر شیعیان جهان، برخلاف اصول قانون اساسی و آزادی‌های دموکراتیک جوامع بشری ست و به همین دلیل هم باید ایشان مخیر و مختار باشند که در هر نقطه‌ای از ایران یا خارج از ایران که تمایل داشته باشند بتوانند آزادانه اقامت فرمایند...

نامه به شاه:

متن مربوطه در ویکی‌نبشته: نامه ۳ امضایی (سنجابی، بختیار و فروهر)

در ۲۲ خرداد ۱۳۵۶ سه تن از سران جبهه ملی، کریم سنجابی، داریوش فروهر و شاپور بختیار، نامه‌ای سرگشاده به محمدرضا پهلوی نوشتند و از او خواستند که برای نجات کشور به حکومت استبدادی پایان دهد

و اصول مشروطیت را تمکین کند. به‌واقع آن‌ها عامل بحران در ایران را شاه دانسته و او را متهم کردند که به‌واسطه تورم و بی‌توجهی به کشاورزی اقتصاد ایران را به نابودی کشانده است. نحوه مدیریت شاه و عدم احترام و مغایرت آن با قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر از دیگر نکات مورد تأکید نویسندگان نامه بود.

آنان در بخش پایانی نامه تنها راه برون‌رفت از چنین وضعیتی را ترک حکومت استبدادی، تمکین مطلق به اصول مشروطیت، احیای حقوق ملت، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد، دادن آزادی مطبوعات و آزادی اجتماع، آزادی زندانیان، دادن اجازه بازگشت به تبعیدشدگان سیاسی و استقرار حکومتی که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشد، اعلام کردند. در این نامه برخلاف سابق و به‌عمد تقویم شاهنشاهی و لقب همیشگی آریامهر در کنار پهلوی دوم نیامده بود.

اوج‌گیری انقلاب و قبول نخست‌وزیری

محمدرضا پهلوی که در آن زمان حکومتش روبه‌زوال بود و بیش از هر زمان دیگر واشینگتن نسبت به بقای حکومتش بی‌اعتماد شده بود،

خروج از ایران:

در جست‌وجوی شخصی بود که با خروجش از ایران در شرایط قابل‌قبول و محرمانه موافقت کند. به همین منظور ابتدا با احمد بنی احمد و کریم سنجابی دیدار و از آن‌ها درخواست پذیرش نخست‌وزیری دولت را کرد. سنجابی با استناد بهاعلامیه سه ماده‌ای و مخالفت با باقی ماندن ارتش در خانواده سلطنتی و خودداری شاه از کناره‌گیری از سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح حاضر به پذیرش مصالحه با شاه و پذیرش این سمت نشد. محمدرضا پهلوی سپس با مظفر بقایی و غلامحسین صدیقی، دیگر رهبر جبهه ملی دیدار کرد و به آنان پیشنهاد دردست‌گرفتن حکومت را داد اما هر یک از آنان به دلایلی از پذیرفتن حکومت سرباز زدند. پیشنهاد نخست‌وزیری شاه به صدیقی و بقایی به این دلیل شکست خورد که هر دو قبولی‌شان مشروط به ماندن محمدرضا پهلوی در ایران، جایی دور از تهران بود.

استدلال این دو، آن بود که حضور شخص شاه در ایران به دلیل ارتباط نزدیکی که با ارتش دارد سبب حفظ یکپارچگی و انسجام ارتش می‌شود. [۴۶]

فرج سر کوهی می‌نویسد که شاه در سال ۱۳۵۷ دستور آزادی بختیار از زندان را داد. در همین حال برخلاف این ادعای سر کوهی، شاپور بختیار در گفتگو با پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، جریان ملاقات با شاه را تشریح کرده است.

حال روایت فرج سر کوهی در بی‌بی‌سی فارسی: محمدرضا شاه در ادامه انتخاب‌هایش در اواخر سال ۱۳۵۷ دستور آزادی بختیار را از زندان صادر کرد و از وی به‌ناچار در دیداری خصوصی در کاخ نیاوران تهران می‌خواهد که مقام نخست‌وزیری ایران را قبول کند.

شاه در این خصوص می‌گوید: «در این هنگام بود که شاپور بختیار، یکی از اعضای جبهه ملی به‌وسیله سپهبد مقدم، رئیس ساواک، از من تقاضای ملاقات کرد. من قبلاً به‌وسیله جمشید آموزگار نخست‌وزیر سابق تماسی با بختیار داشتم و همچنان به کوشش خود برای تشکیل یک دولت ائتلافی ادامه می‌دادم. در این اواخر درحالی‌که سنجابی همچنان به اظهارات تحریک‌آمیز خود ادامه می‌داد شاپور بختیار روشی معتدل‌تر داشت و تقریباً سکوت کرده بود. درنتیجه شاپور بختیار را به حضور پذیرفتم؛ و اگر اشتباه نکنم سپهبد مقدم شخصاً وی را شبانه و در خارج از ساعات متعارف ملاقات، به کاخ نیاوران هدایت کرد. بختیار در این ملاقات مکرراً نسبت به مقام سلطنت اظهار وفاداری کرد و کوشید به من ثابت کند که تنها کسی است که می‌تواند در دوران دشوار دولت را تشکیل دهد. او می‌گفت مایل است تمام ترتیبات مندرج در قانون اساسی را رعایت کند بدین معنی که قبل از مسافرت من به خارج از کشور به‌عنوان تعطیلات، یک شورای نیابت سلطنت تشکیل دهد و از دو مجلس رأی اعتماد بگیرد. این شرایط برای من قابل‌قبول بود.

کابینه شاپور بختیار:

بختیار با دشواری کابینه خود را تشکیل داد و از مجلس رأی اعتماد گرفت؛ اما فرصت نیافت برنامه خود را که برای خبرنگاران وسایل ارتباط‌جمعی شرح داده بود به مرحله اجرا درآورد. جالب آنکه از همان روز نخست دوستان سیاسیش در جبهه ملی برای سقوط او کوشیدند»

پی نوشت: (پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، تهران، البرز، ص ۲۴۱) همین‌طور در نسخه فرانسه ((Pahlavi، M. R، (۱۹۷۹). Reponse a› L›Histoire. Paris: A. Michel، p (۲۴۱-۲۴۲).

ادامه دارد...

روزنامه طلوع آگهی و مشترک می‌پذیرد

۴۲۲۹۲۴۶ – ۳۲۳۴۴۷۷۲

آگهی ثبتی

تاسیس شرکت سهامی خاص مهندسین دقیق ترسیم پارس درتاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ به شماره ثبت ۵۲۶۰۵ به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۱۲۹۱۹۴ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :انجام تمامی امور نقشه برداری در عملیات های شهری_عمرانی_سدسازی_جاده_ساختمانی و تهیه عکس های هوایی و سپس تولید نقشه مورد نیاز و همچنین تفسیر عکس های هوایی و ماهواره ای و همچنین مواردی که به علم نقشه برداری و عملیات تهیه نقشه مربوط بوده مانند تهیه نقشه های ثبتی و کاداستر و GIS احتیاج گردد با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان فارس ، شهرستان شیراز ، بخش مرکزی ، شهر شیراز، محله ادبیات ، خیابان شهیدقانعی ، بلوار گلستان ، پلاک ۰ ، طبقه همکف کدپستی ۷۱۴۶۷۱۳۷۶۷ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۳۵۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱/۹۹/۸۷۳۶۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۷ نزد بانک سپه شعبه دانشگاه شیراز با کد ۱۳۲۵ پرداخت گردیده است والباقی در تعهد صاحبان سهام می باشد اعضا هیئت مدیره آقای محمدرضا خسرویان به شماره ملی ۲۲۸۱۷۵۳۳۶۰ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم قمرالسادات مولایی به شماره ملی ۲۲۹۱۲۹۱۲۵۴ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای احمد قائدیان به شماره ملی ۲۲۹۱۶۳۳۰۷۴ و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای محمدمهدی خسرویان به شماره ملی ۲۲۹۵۶۲۵۹۹۸ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای علیرضا خسرویان به شماره ملی ۵۱۳۹۷۹۷۷۳۹ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان آقای امیر قائدیان به شماره ملی ۳۴۹۰۳۴۱۶۱۹ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی خانم آذین قائدیان به شماره ملی ۳۴۹۰۴۱۷۴۲۹ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار طلوع جنوب جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

کد شناسه ۸۴۵۸۸۶ ۳۳۳۵۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیراز